بسم‌الله الرّحمن الرّحیم

مقدمه

دین اسلام، راهنمای انسان به سوی حیات طیبه و زیست سالم و موفق فردی و اجتماعی و برنامه آبادانی و دستیابی به سعادت دنیا و آخرت و نیل به تمدن و تعالی بر پایه ایمان به مبدأ و معاد و پایبندی به آموزه‌های وحیانی عملی است. تأکید همزمان و هم‌عنان بر تفکر، علم، معنویت و عدالت، زیربنای رهنمودهای تمدنی اسلام و وجه تمایز آن از دیگر مکاتب به‌شمار می‌رود. امت‌سازی پیامبر اعظم ـ صلوات الله علیه و آله ـ و جامعه‌پردازی و تشکیل نظام سیاسی و وحدت تعالی‌بخش بر محور مدینةالنبی و استمرار تاریخی این حرکت عظیم سیاسی ـ اجتماعی تا شکوفایی تمدن اسلامی در سده‌های اول هجری، به‌ویژه در ایران، گواه روشنی بر ظرفیت تمدنی این دین خاتم است. ایران به برکت قابلیت‌های انسانی و موقعیت جغرافیایی و تنوع اقلیمی و منابع سرشار، یکی از خاستگاه‌ها و مهدهای اصلی تمدن در جهان بوده و در تاریخ کهن و پر فراز و فرودش، به رغم دشمنی‌ها و تهدیدهای خارجی، به پشتوانه جریان عمیق فرهنگی و استقامت مردمانش، همواره پایدار و سرافراز مانده است. ایران با الهام از تعالیم الهی، در عرصه کشورداری و آبادانی و تمدن‌سازی، حکمت‌های عملی درخشانی به جهانیان ارائه داده و با ره‌توشه‌های علم و ادب و هنر و عرفان، نقش مؤثری در شکوفایی تمدن اسلامی ایفا کرده است. در دو سده اخیر، ایرانیان پیشتاز مبارزات ملی و اسلامی در میان مسلمانان جهان بوده‌اند.

مردم ایران با انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی ـ رحمةالله علیه ـ و تداوم آن با هدایت زعیم حکیم امت، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ـ دام‌ظلّه ـ فصلی مهم در تاریخ ایران و اسلام گشودند و به برکت مجاهدت جوانان و خون شهیدان و استقامت جانبازان انقلاب و دفاع مقدس، وابستگی به قدرت‌های جهانی و استبداد و خفقان سیاسی و زرپرستی و فقر و فحشا و بدعت‌ها و خرافات و تحجر را نفی کردند. بدین سان، ایرانیان استقلال، آزادی، عدالت، عزت، علم، رفاه و خدمت به انسان‌ها را مطلوب خویش ساختند و جمهوری اسلامی را آگاهانه پذیرفتند که رهاورد اندیشه روشن و بلند امام راحل مبتنی بر آرای عمومی، طبق اصول و قواعد اسلامی در قالب مردم‌سالاری دینی است. آنان در طول بیش از چهار دهه مجاهدت و مقاومت و ایثار و شهادت و تدبیر و مدیریت، به استقرار جمهوری اسلامی و تأمین استقلال سیاسی کشور همت گماشتند و به فقرزدایی و پیشرفت‌های علمی و فناوری و آموزشی و بهداشتی و دفاعی و مبارزه با زورگویان و زرپرستان و متجاوزان به حقوق مردم و بیت‌المال، کم یا بیش دست یافتند.

اکنون ملت ایران با همه دستاوردها و تجارب و عبرت‌های ارزشمند خود، رسالتی ملی و انسانی و اسلامی بر عهده دارد. این ملت در گام دوم انقلاب اسلامی و در عصر پیشرفت‌های پرشتاب علمی و اطلاعاتی و ارتباطی و شناختی و نیز تحولات بینشی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی بین‌المللی، وظیفه دارد توانمندی‌ها و ظرفیت‌های تمدنی ایران و اسلام را با استفاده از علم و فناوری روز و تجارب بومی و جهانی برای نیل به تمدن نوین اسلامی ایرانی شکوفا سازد و آن را برای حل مسائل اساسی کشور و تعالی

و سعادت خود، به خدمت درآورد. همزمان، موظف است که توانمندی خویش را برای التیام آلام مسلمانان و مردم جهان و دستیابی ایشان به سعادت، تقدیم دارد. دستیابی به این هدف، با «پیشرفت» در عرصه‌های فکر و علم و معنویت و زندگی، فراهم می‌شود که متفاوت از توسعه متعارف و عبارت است از: «تکامل و تعالی پیوسته و پویای شئون و ساحات گوناگون حیات بشر بر اساس آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی، در مسیر ظهور استعدادهای فطری انسان‌ها». این پیشرفت به الگویی جامع و بلندمدت نیاز دارد تا مسیر و مقصد آن را معین و تحولاتش را هدایت کند.

بدین روی، رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ـ دام ظلّه ـ در دوم خرداد ۱۳۹۰ تهیه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را مقرر و «مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» را به پیگیری آن موظف فرمودند. پیش نویس الگوی پیشرفت، با مشارکت گسترده متفکران و صاحب‌نظران ایرانی، بر پایه جهان‌بینی و اصول و ارزش‌ها و آموزه‌های اسلام و آرمان‌های انقلاب اسلامی و با توجه به مقتضیات اجتماعی و اقلیمی و میراث فرهنگی ایران، طبق روش‌های علمی و با استفاده از دانش‌های روز و دستاوردهای بشری طراحی شد. این پیش‌نویس در معرض نقد و پیشنهاد متخصصان، سیاست‌گذاران، قانون‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان کشور قرار گرفت و در پرتو نقدها و پیشنهادها، کمال و ارتقا یافت و به شکل حاضر تدوین گشت.

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، بیانگر سیر تحولات اجتماعی به‌سوی هدف‌های مطلوب در نیم قرن آینده است. این الگو «مبانی نظری»، «تبیین عرصه‌های پیشرفت»، «اصول عملی»، «آرمان‌ها»، «رسالت»، «افق»، «تدبیرها» و «سازوکار اجرا، نظارت و به‌روز رسانی» را در بر می‌گیرد. طراحی الگو با استفاده از نتایج مطالعات و تحقیقات لازم و طبق رویکردی ترکیبی و با فرآیندی منسجم انجام شد. در این فرآیند، نخست مبانی نظری الگو تدوین و بر همه بخش‌ها حاکم گشت. آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، آینده‌های قابل تصور را تبیین و آینده مطلوب را با ویژگی آرمان‌گرایی و کارآمدی توأمان، هدف گرفت. تحولات تاریخی ایران با هدف امکان‌سنجی پیشرفت آینده ایران، بررسی گشت و تداوم جریان عمیق فرهنگی به عنوان رمز ماندگاری ایران در کشاکش فراز و فرودهای سیاسی و نظامی داخلی و پیرامونی، شناخته شد. حکمت‌های عملی ایرانیان در کشورداری، همچون بهره‌گیری از فرزانگان در جایگاه مشاورت و وزارت عالی حاکمان، پایداری در دفاع از تمامیت ارضی و استقلال و عزت ملی و نیز مدارای فرهنگی و سیاسی در اداره سرزمین‌های بزرگ تحت حاکمیت مرکزی، گردآوری شد. نظریات و تجارب بین‌المللی توسعه، بررسی گشت و اتکا بر مبانی فکری و فرهنگی و قابلیت‌های بومی، عزم و تلاش عمومی، خلاقیت و ابداع، تعامل گسترده بین‌المللی، راهبری عالی و بلندمدت ملی، و شکل‌گیری گفتمان فراگیر مورد تأکید قرار گرفت. نسبت الگو با قانون اساسی و سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی تعیین شد و اسناد برنامه‌ای کشور هم از جهت اشکالات برنامه‌ریزی شامل فقدان مبانی متقن و الگوی پیشرفت کارآمد، ضعف مشارکت نخبگانی و عدم انتخاب قاطع اولویت‌ها، عدم ابتنا بر آینده‌پژوهی، تقدم نگرش‌های بخشی و منطقه‌ای بر نگرش ملی، عدم مشارکت کامل ذی‌نفعان و عدم اجماع کافی درباره اصول برنامه، و هم از

جهت عدم تحقق مطلوب شامل کمبود گفتمان‌سازی، فقدان مدیریت عالی، اتکا بر درآمدهای نفتی، عدم توازنِ بخشی و تغییر اولویت‌ها با تغییر دولت‌ها، آسیب‌شناسی شد و عبرت‌های حاصل در طراحی الگو، فرادید قرار گرفت. «مسئله‌شناسی ایران» مشتمل بر بیش‌از هفتاد مسئله، با هدف شناسایی مسائل اساسی کشور از جمله وابستگی اقتصاد کشور به صادرات مواد خام، گستردگی ساختاری و کندی عملکرد دولت، ضعف عزم بر عدالت که دارای ریشه‌های عمیق و نیازمند راه‌حل‌های بلندمدت است، به انجام رسید. این مسائل با طراحی برای شکوفاسازی قابلیت‌های ماندگار ملی شامل فرهنگ غنی اسلامی ایرانی، نیروی انسانی مستعد، منابع طبیعی فراوان و موقعیت جغرافیایی ممتاز که در دنیا کم‌نظیر است، از طریق تدابیر مؤثر برای نیل به افق الگو، پاسخ داده شد.

در نخستین گام‌های طراحی الگو، ویژگی‌های مطلوب الگو شامل اسلامیت، ایرانی و علمی و انقلابی بودن، تحول‌آفرینی، آرمانی و در عین حال عملی بودن، کلان‌نگری، راهیابی برای حل مسائل اساسی کشور، شکوفاسازی قابلیت‌های ماندگار ملی و صراحت تدوین شد. این ویژگی‌ها در مراحل بعدی طراحی الگو مورد عنایت قرار گرفت و به‌عنوان شاخص‌های ارزیابی درونی پیش از اجرای الگو استفاده شد و تأمین آن‌ها در متن الگو احراز گردید.

تحقق الگو، در گرو تلاش بلندمدت و مدبرانه و منسجم ارکان نظام جمهوری اسلامی و ملت بزرگ ایران است. بدین منظور، نقش ارکان یاد شده در اجرای الگو، در چارچوب وظایف قانونی آن‌ها تحت راهبری عالی رهبر معظم انقلاب اسلامی، در متن الگو مشخص و تکلیف نظارت بر اجرا و به‌روز رسانی الگو، معین شده است. از مردم عزیز به‌ویژه جوانان که دستاوردهای الگو متعلق به آنان است، درخواست می‌شود که مجدّانه به اجرای آن همت گمارند و بر تحقق شایسته آن پای فشارند. سزاوار است نخبگان همه بخش‌ها که در تهیه الگو نقشی بی‌همتا داشتند، در نظارت بر عدم انحراف یا غفلت در اجرای آن، پیشگام باشند تا این دستاورد نخبگانی به بار نشیند.

استمرار در مسیر پیشرفت اسلامی ایرانی، جهاد بزرگ و دشوار ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی در نیم قرن پیش رو است و ثمره شیرین آن، دستیابی به تمدن نوین اسلامی ایرانی و کمک به تأمین عدالت و امنیت و رفاه و سعادت همه مردم جهان است که به حول و قوه الهی و با هدایت و دعای خیر حضرت بقیةالله الاعظم ـ عجل الله تعالی فرجه الشریف ـ ان شاء الله فراهم خواهد شد.

مبانی نظری

مبانی نظری به عنوان مهم‌ترین پیش‌فرض‌های اسلامی، فلسفی و علمی جهان‌شمول معطوف به پیشرفت عبارت است از:

- **مبانی خداشناختی**

الله معبود یکتا، حی، علیم، قادر، حکیم، غنی، رب‌العالمین، رحمن، رحیم، هادی، شارع، مالک و حاکم مطلق هستی است که:

- در آفرینش و قانون‌گذاری و سزادهی، عادل است.
- واسع، جبران‌کننده، روزی‌دهنده مخلوقات، آرامش‌بخش دل‌ها، اجابت‌کننده دعاها و حاجت‌ها است.
- ولی مؤمنان، یاور مجاهدان راه خدا، پشتیبان ستم‌دیدگان، انتقام‌گیرنده از ظالمان و وفاکننده به وعده خویش است.

از این‌رو، توحید، بنیادی‌ترین اصل حاکم بر جهان هستی است.

- **مبانی جهان‌شناختی**

- جهان با عوالم غیب و شهودش، سرشت توحیدی دارد و مراتب روحانی، مادی و نیز دنیوی و اخروی آن، پیوسته در مسیر تکامل و تعالی به سوی خداوند است.
- جهان، تجلی و آیت خداوند به شمار می‌رود و نظام علّی معلولی بر آن حاکم است. جهان مادی در طول عالم ملکوت قرار دارد و عوامل مؤثر بر آن، فقط مادی و طبیعی نیستند.
- دنیا جایگاه عمل و آزمایش و بستر اوج‌گیری یا سقوط معنوی و اختیاری انسان است و بر اساس سنت‌های خداوند، به کردارهای آدمیان واکنش نشان می‌دهد.
- خداوند جهان مادی را در خدمت انسان قرار داده تا امانتدار و آبادگر آن باشد. اگر انسان آگاهانه و عادلانه در مسیر تحقق اهداف الهی گام بردارد، نیازهای مادی‌اش برآورده خواهد شد.

- **مبانی انسان‌شناختی**

- هدف از آفرینش انسان، معرفت و عبادت خداوند و در پرتو آن، دستیابی به جایگاه قرب و خلافت الهی است.
- وجود انسان دارای ابعاد فطری و طبیعی و ساحت‌های جسمانی و روحانی است.
- انسان دارای کرامت و عزت تکوینی است و می‌تواند از امکانات جهان آفرینش به بهترین گونه بهره گیرد. قلمرو فطری انسان که در نفخه الهی ریشه دارد، خاستگاه خداپرستی، دین‌ورزی، کمال‌گرایی، حقیقت‌جویی، خیرخواهی، زیبایی‌گرایی، عدالت‌طلبی، آزادی‌خواهی و دیگر ارزش‌های والا است. قلمرو طبیعی او نیز خاستگاه ویژگی‌ها و نیازهای مادی است. وی در کشاکش اقتضائات این دو بعد وجودی و تحقق معقول و متعادل آنها به کمالات اکتسابی دست می‌یابد.

- انسان، آمادگی دستیابی به کمال و سعادت اختیاری را دارد و با انتخاب‌های صحیح و در چارچوب هدایت الهی و رشد عقلانی و پای‌بندی به شریعت اسلامی و کسب فضیلت‌های اخلاقی و معنوی، می‌تواند به جایگاه عالی دست یابد.
- پس از مرگ، حیات انسان تداوم می‌یابد و حیات جاودانه اخروی او بر پایه باور، بینش، روش، اخلاق و رفتار او در زندگی دنیوی، شکل می‌پذیرد.
- انسان، هم بهره‌مند از حقوق و هم دارای تکلیف است. از جمله حقوق وی، حق حیات معقول، آگاهی، زیست معنوی و اخلاقی، دینداری، آزادی مسئولانه، امنیت، تعیین سرنوشت فردی و جمعی، و برخورداری از دادرسی عادلانه است. نیز وی در برابر خداوند، مکلف است و بر پایه آن، در برابر خود و دیگر انسان‌ها و خلقت و عالم نیز دارای مسئولیت و تکلیف است.

• مبانی جامعه‌شناختی

- انسان موجودی اجتماعی و برآوردن نیازها و شکوفایی استعدادهایش در گرو ارتباط و مشارکت جمعی است.
- جامعه که بستر مشارکت برای برآوردن نیازها و شکوفایی استعدادهاست، به بینش، گرایش، منش، توانش و کنش ارادی افراد جهت می‌دهد و از آنان، به‌ویژه نخبگان، اثر می‌پذیرد. این تأثیر و تأثر نافی هویت فردی، اختیار و مسئولیت اعضای جامعه نیست.
- ساخت‌مندی و تمایزیابی جامعه بر پایه فرهنگ استوار می‌شود. فرهنگ، سازنده هویت جمعی و شاکله فردی انسان‌ها است و در عناصر خرد و کلان جامعه حضور دارد.
- تعلیم و تربیت، از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی و بسترساز تحول بنیادین و گسترده در جامعه است.
- خانواده، مهم‌ترین نهاد تشکیل‌دهنده جامعه است و در شکل‌گیری، حفظ، انتقال و ارتقای فرهنگ آن، نقشی بی‌همتا دارد.
- همه جوامع، با وجود تفاوت‌ها، از سنت‌های الهی و قوانین تکوینی مشترک و فراگیر پیروی می‌کنند. شماری از این سنت‌ها عبارتند از: پیوند تحولات اجتماعی با نفس و اراده و عمل انسان، فراوانی نعمت بر اثر تقوا و عدالت و استقامت، عذاب و کیفر جامعه در صورت گسترش ظلم و فساد و گناه و ترک امر به معروف و نهی از منکر، مهلت دادن به غافلان و گرفتارسازی تدریجی آنان در عین نعمت‌بخشی (اِمهال و استدراج)، پیروزی نهایی مؤمنان.
- تحولات اجتماعی تحت تأثیر اراده انسان‌ها و عوامل معنوی، فرهنگی، جمعیتی و انسانی، جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی، دانشی و فناورانه مبتنی بر سنت‌های الهی پدید می‌آید و اراده ملی، جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است.
- برای تحقق جامعه اسلامی، افزون بر دینداری افراد آن، باید نظام‌ها و مناسبات اجتماعی و عملکرد کارگزاران بر پایه اصول و ارزش‌های اسلامی استوار گردد.

- عدالت، مایه حیات جامعه و قوی‌ترین زیربنای نظام اجتماعی و ملاک سیاست‌ورزی و موجب نیکو ساختن مردم و فزونی نعمت و آبادانی کشور و پایداری و پایندگی و نگهداری حکومت و پیروی مردم از آن است.
- تاریخ به سوی آینده‌ای والا در همه ابعاد مادی و معنوی، با حاکمیت دین حق و عدل و رهبری امام معصوم ـ علیه السلام ـ در حرکت است.
- پیشرفت حقیقی و همه‌جانبه جامعه در گرو التزام به اسلام، رهبری پیشوای الهی، کارگزاری صالحان، مشارکت مردم، استواری و هماهنگی ارکان نظام، با هدف تحقق وعده خداوند است.

• مبانی ارزش‌شناختی

- ارزش‌ها در واقعیت ریشه دارند و اصول آن‌ها ثابت، مطلق و جهان‌شمول است.
- اصول ارزش‌ها از طریق عقل و فطرت درک می‌گردد و تفصیل آن‌ها از رهگذر کتاب و سنت کشف می‌شود.
- ارزش‌ها در ساحت‌های ارتباط انسان با خدا، خود، خلق و این دنیا جریان دارند.
- تحقق ارزش‌ها، مایه پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی است.

• مبانی دین‌شناختی

- اسلام، نظام جامع معرفتی معیشتی است که خداوند متعال برای تربیت انسان و تأمین کمال و سعادت دنیوی و اخروی او تشریع فرموده است.
- اسلام، دین کامل و جهان‌شمول و نهایی است که به پیامبر خاتم ـ صلوات الله علیه و آله ـ وحی شده و در قرآن کریم، در دسترس بشر قرار گرفته و تفصیل آن در سنت پیامبر و اهل بیت ـ علیهم السلام ـ بیان شده است.
- اسلام با نظام هستی و سرشت انسان هماهنگی کامل دارد و نیازهای نظری و عملی، فردی و اجتماعی، و دنیوی و اخروی او را برآورده می‌سازد. بدین روی، راهنمای بالندگی و رشد و تمدن‌سازی و پیشرفت فرد و جامعه است.
- اسلام در چارچوب مبانی و اصول ثابت و پایدار و بر اساس منطق اجتهاد، در عرصه‌های اعتقادی و معنوی و علمی و اخلاقی و شریعت و با عنایت به مصلحت و دیگر عناصر انعطاف‌پذیر آن، توان پاسخگویی به نیازهای نوشونده زمانی و مکانی را دارد.
- اسلام بر خردورزی و بهره‌مندی از دانش و تجارب انسانی تأکید می‌کند. وحی، مایه شکوفایی عقل به شمار می‌آید. از این رو، تمدن‌سازی و پیشرفت اسلامی، بر اصول و ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی و عقل و دانش بشری تکیه دارد.

- **مبانی ایران‌شناختی**

— ایران منظومه‌ای یکپارچه با تنوع محیطی، قومی و اجتماعی شامل الگوهای سکونت شهری، روستایی و عشایری است که وحدت فرهنگی و اعتقادی، مایه ماندگاری آن در بستر تاریخ به شمار می‌رود.

— برخورداری ایران از جایگاه راهبردی سرزمینی، رتبه برتر در منابع انرژی و معدنی، تنوع اقلیمی، ظرفیت‌های فلات مرکزی، جاذبه‌های گردشگری، خطوط ساحلی و مرزهای آبی بین‌المللی، سرمایه انسانی جوان و مستعد، تجربیات مدیریتی و ظرفیت‌های علمی و فناوری، زمینه‌ساز پیشرفت و تحول دریاپایه و خشکی‌پایه به عنوان قطب ارتباطات منطقه‌ای و بین‌المللی است.

— ایران با پیشینه تمدنی کهن، یکی از اصلی‌ترین خاستگاه‌های حکمت عملی، دین‌مداری، عدالت‌طلبی، علم‌دوستی، خلاقیت، هنر و معماری، مدارا، صلح‌جویی و چهارراه ارتباطی و کانون اشاعه فرهنگ در جهان بوده است.

— زبان و ادبیات فارسی، گنجینه‌ای غنی از عرفان، حکمت، اخلاق، حماسه و برخوردار از ظرفیت تمدن‌زایی و مرجعیت علمی و پشتوانه هویت ایرانیان است.

— ایرانیان با پذیرش اسلام، نقشی بی‌همتا در شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی و تولید علم ایفا کرده‌اند. امروز به برکت انقلاب اسلامی و احیاگری امام خمینی ـ رحمهٔ الله علیه ـ ایران، کانون بالندگی اندیشه دینی و گسترش معارف قرآن و سنت به شمار می‌رود.

تبیین عرصه‌های پیشرفت

چیستی و ویژگی‌های اهم عرصه‌های پیشرفت و عوامل تحول مطلوب آن به شرح زیر تبیین می‌شود.

- **معنویت**

معنویت، فرارَوی ارادی و وجودی انسان از مادی‌نگری و خودمحوری (انانیت) به توحید و در چارچوب اسلامی است که در بینش، گرایش، کنش و توانش در ساحت‌های فردی و اجتماعی ظهور می‌یابد و به نیت، عمل و منش انسان، جهت الهی می‌دهد. پیشرفت معنوی با رویکرد اسلامی، فطری، فراگیر و جامع است و در همه ابعاد فردی و اجتماعی سریان دارد و در چهار بخش تجلی می‌یابد: ۱- ارتقای مراتب ایمانی و اعتلای باور قلبی به خدای متعال، جهان آخرت و عوالم غیب و شهود؛ ۲- تخلق به اخلاق الهی و تجلی رفتار انسانی مؤمنانه، منصفانه و مشفقانه در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به‌ویژه سبک زندگی در محیط خانواده، کار و تعامل با دیگران؛ ۳- داشتن آگاهی و درک عمیق از فلسفه حیات و آفرینش مبتنی بر دانش و عقلانیت، به دور از تحجر، قشری‌نگری و انزواطلبی؛ ۴- نیل به تجربه‌های معنوی و تعالی عرفانی در ارتباطات چهارگانه با خداوند، خویشتن، دیگران و طبیعت.

مهمترین ویژگی‌های جامعه پیشرفته معنوی در روابطی چهارگانه تبلور می‌یابد: ۱- رابطه انسان و خدا: عبودیت و تقرب به خداوند از طریق تحقق اسماء و صفات الهی و با استمداد از پیامبر اکرم(ص)، حضرت زهرا و ائمه اطهار علیهم السلام (به عنوان اولیای الهی در راهیابی معنوی)، تعمیق معرفت و انس با خدا، اقامه نماز، اخلاص، توکل و رضایت باطنی؛ ۲- رابطه انسان و خویشتن: برخورداری از نشاط معنوی، آرامش، امید، طهارت روح، وارستگی و حق‌مداری؛ ۳- رابطه انسان و دیگران: عدالت‌محوری، تعامل، احسان، درستکاری و احساس مسئولیت و تعهد، زیبا اندیشی و مثبت‌نگری، تعاون، انصاف، شرح صدر، تقوای اجتماعی، ادای زکات، امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با ظالم و دفاع از مظلوم؛ ۴- رابطه انسان و طبیعت: برخورداری از احساسات معنوی و احترام نسبت به طبیعت و رعایت حقوق محیط زیست.

عوامل تحول و پیشرفت معنوی عبارت است از: توجه به تمامیت دین و ابعاد باطنی، مادی و معنوی آن؛ تبلیغ و ترویج دین در میان آحاد مردم توسط عالمان ربانی مردمی؛ اصالت دادن به کرامت انسانی و فراهم کردن زمینه‌های مطلوب رشد و شکوفایی معنوی؛ گسترش خردورزی، حکمت‌آموزی، آزادی اندیشه و دانایی‌محوری در همه عرصه‌های جامعه؛ گسترش فضیلت‌های اخلاقی به‌ویژه عدالت اجتماعی؛ پاسداری از رواداری، مدارا و تحمل اندیشه‌های دیگران؛ نگرش و رفتار مشفقانه، ناصحانه و عادلانه میان مردم با یکدیگر و کارگزاران نسبت به مردم؛ تأمین نیازهای اساسی مردم و توسعه معیشت و روزی حلال مبتنی بر کوشش عادلانه.

- **علم**

مراد از علم، نظام گزاره‌های معرفتی خاص برآمده از تلاش روش‌مند و مبتنی بر منابع معتبر معرفت نظیر وحی و عقل و تجربه است. قلمرو علم، همه ساحت‌های جهان تکوین و تشریع را در بر می‌گیرد و شامل معرفت‌های توصیفی و هنجاری در ارتباط با خداوند، فرد و جامعه، طبیعت و ماوراء طبیعت می‌شود. پیشرفت علمی به معنای ارتقای کیفی و توسعه کمی تولیدات دانشی در همه شاخه‌های علوم اعم از عقلی، تجربی، نقلی و شهودی در چارچوب معیارهای شناختی معتبر و عرف علمی و روش‌شناسی خاص آنها است. لازمهٔ چنین پیشرفتی، جامعیت، روزآمدی و اشراف به تحقیقات و نظریات مطرح در علوم مربوط است. التزام و کاربست علم در خدمت تعالی انسان، رفع نیازهای مادی و معنوی او و پیشرفت جامعه قرار می‌گیرد.

مشارکت گسترده نخبگان در امور اساسی کشور، هدایت ظرفیت علمی و فناوری به سوی رفع نیازها و حل مسائل اساسی جامعه و افزایش رفاه عمومی، ارتقای متوازن و جامع آگاهی‌ها و توانمندی‌های عمومی و تعاملات گسترده اندیشه‌ای و علمی در عرصه ملی و بین‌المللی و تبدیل دستاوردهای علمی به نوآوری‌ها و فناوری‌های نوین از ویژگی‌های جامعه پیشرفته علمی است. نیروی انسانی عالم، صالح، توانمند، خلاق و مسئولیت‌پذیر، اساسی‌ترین پیشران پیشرفت علمی و فناوری کشور است؛ از این رو، نهاد تعلیم‌وتربیت، زمینه‌ساز پیشرفت علم و نفوذ آن در عرصه زندگی است.

- **عدالت اجتماعی**

عدالت اجتماعی از اهداف اساسی بعثت انبیای الهی و ادیان ابراهیمی و ارزش معیار و مبنای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و به معنای رعایت حقوق در تقنین، اجرا، ساختارها و فرایندها در همه‌ی ابعاد نظام اجتماعی است. مقصود از حق، سُلطه بر انجام یا ترک فعل و یا امتیاز بهره‌مندی از مواهب است.

معیار اصلی عدالت، برابری است و تفاوت در برخورداری از مواهب و امکانات بر اساس معیارهایی از قبیل کار و تلاش، شایستگی‌ها و نیازهای موجّه است. فرهنگ‌سازی و ایجاد گفتمان عدالت، مطالبه و عزم ملی برای تحقق عدالت، اصلاح ساختارها و فرایندهای ناعادلانه و به کارگیری کارگزاران عادل در حکومت، پیشران‌های اساسی تحقق عدالت است.

- **فرهنگ**

فرهنگ منظومه‌ای از باورها و بینش‌ها، اخلاقیات و ارزش‌ها، علائق و سلائق، آداب و رسوم و الگوهای هنجاری دیرپاست که در بازه‌ی زمانی و بستر زمینی معینی صورت بسته، به انسان‌ها هویت اجتماعی می‌بخشد و به سبک زندگی آنها جهت می‌دهد. پیشرفت فرهنگی فرایند تعمیق باورهای دینی و تثبیت ارزش‌های الهی و انسانی و نهادینه‌سازی هنجارهای مدنی و اخلاقی متعالی است که به نیازهای هویتی و معنوی فردی و اجتماعی انسان‌ها پاسخ می‌دهد و از طریق گسترش صنایع خلاق فرهنگی و ادبی و هنر قدسی، حفظ، صیانت و در محیط واقعی و مجازی تثبیت می‌شود.

جامعه پیشرفته فرهنگی اسلامی ایرانی، جامعه‌ای است برخوردار از ویژگی‌هایی نظیر مواجهه خردمندانه، هوشمندانه و تاب‌آور با پدیده‌های نوظهور، اهل تبادل و تعامل فرهنگی در عین تحفظ بر استقلال و مصونیت فرهنگی، دارای توان رشد در بحران‌ها و تغییرات فرهنگی، حافظ انسجام ملی در عین پذیرش تنوع قومی و خرده فرهنگ‌ها، صاحب اهتمام به تولید دانش‌بنیان و مصرف کالاها و خدمات فرهنگی فاخر و راقی، خرافه‌زدا، دین‌مدار و بدعت‌ستیز، پایبند به هنجارهای اخلاقی و مدنی، خودباور و دارای اعتماد به نفس ملی. نهادهای دینی، خانواده و تعلیم و تربیت و نیز طبقات نخبگانی فرهنگ‌ساز، به‌ویژه اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی، هنرمندان، شهدا، قهرمانان و چهره‌های ملی، نقش پیشران در شکل‌گیری، حفظ، انتقال و ارتقای فرهنگ دارند. رسانه‌ها و فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی نیز ابزارهای بسترساز تحولات اساسی و گسترده فرهنگی به شمار می‌روند.

- **اجتماع**

عرصه اجتماعی به معنای خاص، عرصه زندگی اجتماعی یا جهان‌زیست است که شامل وضعیت زندگی طبقات، قشرها و اقوام مختلف جامعه و ارتباط، پیوند و نسبت آنها با یکدیگر و با نهادهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است. پیشرفت اجتماعی بهگشت مداوم ظرفیت‌های اجتماعی و انسانی این عرصه و رابطه بین آنها برای ارتقای هماهنگ کیفیت مادی و معنوی زندگی مردم متکثر ایران در راستای تحقق حیات طیبه است. لذا، جامعه‌ای از نظر اجتماعی، پیشرفته است که عدالت اجتماعی و خردورزی جمعی در آن حاکم بوده، از سطح سرمایه و سازماندهی اجتماعی بالایی برخوردار بوده، و رعایت قانون و اخلاق اجتماعی در آن فراگیر باشد؛ نهاد خانواده مستحکم، احساس امنیت اجتماعی و رضایت مردم از زندگی زیاد، و عموم مردم در مسیر شکوفایی استعدادهای انسانی و معنوی خود قرار داشته باشند.

عوامل مهم پیشرفت اجتماعی شامل بهگشت دایمی خردورزی جمعی، آزادی‌های اجتماعی، برابری فرصت‌ها، عدالت اقتصادی و سیاسی، کاهش تصدی‌گری دولت و ارتقای کنشگری فردی و جمعی مردم و اصلاحات ساختاری و محتوایی در نظام آموزش و پرورش در جهت ارتقای توانمندی شهروندان است. تحقق عوامل فوق مستلزم تغییر در فرهنگ سیاسی دولتمردان حاکم از خودمحوری و دولت‌محوری به خدامحوری و مردم‌محوری، قانون‌مداری و اخلاق‌مداری است تا با بهره‌گیری از مشارکت نخبگانی و مردمی، اعتماد متقابل بین مردم و دولتمردان افزایش یافته و حاکمیت ضمن احترام به نظر و مطالبات جمعی مردم، آنان را در مسیر تحقق حیات طیبه یاری نماید.

- **سیاست و امنیت**

سیاست؛ تدبیر امور عامه و اعمال اقتدار عمومی برآمده از منابع مشروعیت‌بخش و ارزش‌های مشترک در تعامل نظام‌مند نهادهای حاکمیتی و جامعه مدنی به منظور دستیابی به سامان مطلوب و هدف‌های مادی و معنوی جامعه است. پیشرفت سیاسی؛ فرایند شکوفایی ظرفیت، رشد فرهنگ سیاسی و کارآمدی کنشگران، نهادها و نظام سیاسی به منظور تقویت تطبیق شریعت و تحقق اصول و ارزش‌های اسلامی،

ارتقای فضایل جامعه اسلامی و تحکیم مردم‌سالاری دینی بر پایه ولایت فقیه برای «حکمروایی شایسته» و «بهزیست مدنی» با تضمین حقوق و آزادی‌های سیاسی است که به بالندگی عدالت، اقتدار، استقلال، امنیت و یکپارچگی ملی، آسایش مادی و تعالی معنوی و اخلاقی جامعه می‌انجامد.

مرجعیت اصول و ارزش‌های اسلامی و عدالت، تحدید قدرت، شایسته‌سالاری، تأمین و تضمین حقوق شهروندی، مشروعیت، ساز و کارهای حل منازعه، غیرسیاسی بودن دیوان‌سالاری، قانونمندی، تنوع و رقابت‌پذیری، روزآمدی و آینده‌نگری، روابط خارجی عدالت‌گرا و صلح‌آمیز، مرجعیت و الهام‌بخشی و رهبری دینی و الهی جزو مهم‌ترین ویژگی‌ها و معیارهای جامعه پیشرفته سیاسی است. مشارکت سیاسی فراگیر و نظارت مردمی در ادارهٔ امور کشور، تشکل‌های سیاسی ملی کارآمد، پاسداری از ارزش‌های بنیادین و هویت اسلامی ایرانی، راهبری عادلانه قدرت عمومی، قانون‌مداری و پاسخگویی، تضمین حقوق و آزادی‌های مصرح در قانون اساسی، تأمین ثبات و نظم عمومی و امنیت همه‌جانبه، علل و عوامل و الزامات و پیشران‌های اساسی تحقق پیشرفت سیاسی هستند.

امنیت همه‌جانبه به مفهوم ایمنی و آسایش آحاد جامعه بر اساس ایمان و تحقق محیطی امن بر مبنای عدالت در راستای نیل به حیات طیبه است. پیشرفت در این حوزه، وضعیتی است که در آن، ساختارها و سازه‌های دفاعی امنیتی مردم‌پایه و دانش‌بنیان به سطحی از ظرفیت و قابلیت دست یابند که بتوانند به شیوه‌ای مؤثر از مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران بهره‌برداری نمایند و با مواجهه هوشمندانه و مدیریت پیش‌کنشگر در برابر تهدیدات و چالش‌های دشمن‌پایه یا طبیعی و کاهش نقاط ضعف و آسیب‌پذیری‌ها، سطح مطلوبی از امنیت را در نظام اسلامی و حوزه‌های قدرتی آن فراهم آورند. بنابراین پیشرفت دفاعی امنیتی بر توانمندی‌های درونی جامعه متکی است و از طریق نهادها و سازمان‌های مردم‌پایه انطباق‌پذیر و نوآور، توأمان به وجوه ایجابی و سلبی امنیت توجه دارد. مراجع امنیت عبارت است از اسلام به مثابه بنیان فکری اعتقادی جامعه، دولت اسلامی و ولایت فقیه به عنوان نمود نهادی و مردم به عنوان پایگاه نظام اسلامی.

- **اقتصاد**

پیشرفت اقتصادی عبارت است از حرکت به سوی بهره‌مندی عادلانه آحاد جامعه از مواهب و خیرات و تأمین اقتدار، امنیت و رشد اقتصادی. پیشرفت اقتصادی بر اسلامیت نهادها، حکمرانی شایسته اقتصادی، مردم‌بنیانی، عدالت‌بنیانی، درون‌زایی، برونگرایی و نفی سبیل، مدیریت علمی و جهادی و تداول ثروت در جامعه و نفی کنز مبتنی است. اسلامیت نهادها، مستلزم حاکم کردن عدالت، معنویت، اخلاق، اصول، احکام و ارزش‌های اسلامی بر سیاستگذاری‌ها، ساختارها، تصمیمات و اهداف اقتصادی است. حکمرانی شایسته اقتصادی، مستلزم توسعه نهادها، اتخاذ تصمیمات و ایجاد سازوکارهایی برای تحقق عدالت اقتصادی، بهبود قوانین و سیاست‌ها و اقتصاد مبتنی بر دانش، فناوری و نوآوری است. مردم‌بنیانی اقتصاد یعنی در انجام کلیه فعالیت‌های اقتصادی، اصالت با ورود آزادانه آحاد مردم و انجام کار توسط آنان است. حکومت اسلامی، وظیفه طراحی و اعمال سازوکارهای حکمرانی برای مدیریت و هدایت کسب و کار مردم را بر عهده دارد و

تنها انجام آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی را که توسط مردم ممکن نیست یا مخالف مصالح کشور است مستقیماً بر عهده می‌گیرد.

عدالت در اقتصاد به معنی اعمال اهمّ اصول حاکم بر طراحی نهادهای اسلامی جهت حفظ حقوق بهره‌مندی اقتصادی آحاد مردم است. این اصول عبارتند از ۱- برابری در حقوق فطری همچون حق برخورداری از سطح کفاف در زندگی و مواهب طبیعی؛ ۲- توزیع فرصت‌ها بر اساس شایستگی‌ها؛ ۳- توزیع ثروت‌ها و درآمدها بر اساس کار و تلاش مفید اقتصادی؛ ۴- بازتوزیع ثروت‌ها و درآمدها به منظور تأمین سطح کفاف نیازمندان. رعایت عدالت در نظام پولی و بانکی کشور به معنای مدیریت کامل و انحصاری بانک مرکزی نسبت به خلق پول درون‌زا و برون‌زا در راستای تأمین نیازهای بخش واقعی اقتصاد و صرف منافع خلق پول در جهت مصالح کشور و طبقات آسیب‌پذیر جامعه است به نحوی که قدرت خرید پول در مقابل ارزهای خارجی و کالاها و خدمات داخلی حفظ گردد. رعایت عدالت در عرصه ثروت‌های طبیعی شامل تعریف و تحدید حق تولید (استخراج)، حق مدیریت (فرایند تبدیل به عایدی) و حق بهره‌مندی (مصرف عایدی) از آنها با رعایت حقوق عمومی و نفی سوء استفاده از قدرت، روابط و اطلاعات است.

درون‌زایی در اقتصاد به معنی اتکا به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های داخلی از قبیل نیروی انسانی، فناوری بومی و موقعیت جغرافیایی، پرهیز از خام‌فروشی مواد اولیه و نیز ایجاد زنجیره تولید ارزش افزوده در داخل کشور، حفاظت از بازار داخل و ارتقای رقابت‌پذیری بین‌المللی و اعمال ضوابط برای صادرات و واردات متناسب با مراحل پیشرفت است. برون‌گرایی اقتصادی یعنی از منابع و فرصت‌ها و همکاری‌های بین‌المللی استفاده شود و تولیدات و محصولات کشور در صحنه بین المللی قابلیت رقابت و امکان صادرات داشته باشد و نفی سبیل یعنی در عین داشتن تعاملات گسترده بین‌المللی، اقتصاد کشور به سطحی از قدرت دست یابد که دشمنان امکان تسلط بر آن را نداشته باشند. قدرت و ثبات سیاسی از آثار و نتایج اقتصاد مقاومتی و مستلزم بنیان دانشی و مدیریت علمی و جهادی است. پیشرفت اقتصادی مستلزم تداول ثروت در جامعه و نفی کنز و هدایت سرمایه‌ها به سوی تولید و کارآفرینی است.

اصول عملی

اصول عملی، بنیادی‌ترین بایسته‌های برآمده از مبانی نظری و چارچوب اوج‌گیری به سوی «آرمان‌ها» و کاربست «تدبیرها» به شمار می‌روند. این اصول عبارتند از:

- التزام به توحید به عنوان اساس و محور بنیادین حیات فردی و اجتماعی و اصل‌الاصول حاکم بر همه‌ی سطوح و ساحات پیشرفت.
- التزام به مرجعیت اسلام ناب محمدی، در عین بهره‌گیری از خرد، تجربه و دستاوردهای متقن علمی و فناورانه بشری.
- التزام به مقتضیات قوانین و سنن الهی حاکم بر تکوین (هستی و حیات) و امدادهای غیبی.
- تکریم انسان با توجه به اقتضائات طبیعی ـ فطری انسان و نیز خصوصیات شاکله‌ای و موقعیتی او.
- تبیین عدالت به‌عنوان اساسی‌ترین ارزش اجتماعی و عدالت‌مداری، مبارزه با ظلم، فساد و تبعیض؛ وظیفه همگان به‌ویژه حاکمان.
- توأمانی معنویت، عقلانیت و عدالت در فرایند پیشرفت.
- اهتمام به تفکر، علم، خلاقیت، رشد و شکوفاسازی ظرفیت‌های فطری و استعدادهای انسانی.
- نقدپذیری و انعطاف‌پذیری انقلاب اسلامی و آمادگی برای تصحیح مستمر خطاها در عین پای‌بندی به ارزش‌ها.
- پویایی جمهوری اسلامی و نفی تحجر در عین وفاداری به اصول.
- رعایت تأثیرات عنصر زمان و مکان (ظروف تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و اقلیمی خاص ایران).
- توأمانی رشد معنوی و مادی.
- توأمانی مصالح جمعی و منافع فردی و تقدم مصالح جمعی در صورت تزاحم.
- تحکیم خانواده‌محوری در تنظیم ساختارها و مناسبات اجتماعی و رشد جمعیت با تأکید بر تربیت نیروی انسانی مؤمن و صالح.
- صیانت از سبک زندگی اسلامی ایرانی و مقابله هوشمندانه با ترویج فرهنگ بیگانه.
- وحدت ملی، اخوت اسلامی و همزیستی مسالمت‌آمیز با ملل، مذاهب و جوامع دیگر.
- حرکت جهادی و انقلابی در عرصه‌های علمی و عملی.
- هدایت و امر به معروف و نهی از منکر به‌ویژه نصیحت مشفقانه مسئولان نظام.
- دعوت به خیر، و تعاون در احسان، برّ و تقوی.
- صداقت، مسئولیت‌پذیری، قانون‌مداری، سخت‌کوشی، اتقان عمل، خودباوری، شجاعت، خیرخواهی، اخلاص و توکل.
- ابتنای جامعه اسلامی بر شکل‌گیری نظامات و مناسبات اجتماعی و انطباق عملکرد کارگزاران بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی و عدم کفایت دینداری فردی آحاد جامعه برای تحقق جامعه دینی.

- حاکمیت نظام انقلابی با تلازم جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی.
- حاکمیت مردم‌سالاری دینی در چارچوب قوانین و ارزش‌های اسلامی بر محور ولایت فقیه و مبتنی بر اراده و آرای مردم.
- التزام حاکمیت به صیانت از استقلال ملی و آزادی اجتماعی به عنوان ارزش‌های اسلامی و عطیه‌های الهی.
- شایسته‌سالاری با تأکید بر طهارت اقتصادی، ساده‌زیستی و امانتداری در تصدی نقش‌ها و مسئولیت‌ها.
- حفظ تمامیت ارضی و صیانت و ارتقای امنیت و اقتدار کشور و کرامت ملت.
- دفاع شجاعانه، صادقانه و جوانمردانه انقلاب اسلامی از کیان خود به دور از افراط و تفریط
- اهتمام به عزت، حکمت و مصلحت در روابط بین‌المللی.
- استکبارستیزی، مرزبندی با دشمن، مقاومت و حمایت از محرومان و مستضعفان.
- بهره‌گیری از حکمت‌های نیکوی ایرانیان در حکمرانی شامل مشاورت و مباشرت فرزانگان در سطح عالی حکومت، مدارای سیاسی و فرهنگی در پهنه سرزمین و مقاومت و از خودگذشتگی در پاسداری از کشور و ملت.
- نیل به عدالت فضایی با ایجاد فرصت‌های رشد برای همه نواحی کشور.
- توجه عادلانه به هویت مکانی سازمندی‌های اجتماعی ایران شامل شهرها، روستاها و عشایر.
- حاکم کردن اصول، قواعد و عدالت اسلامی بر اهداف، سیاستگذاری‌ها، ساختارها، نهادسازی‌ها و تصمیمات اقتصادی.
- تحقق اقتصاد مقاومتی مبتنی بر عدالت‌بنیانی، مردم‌بنیادی، درون‌زایی و برون‌گرایی و مدیریت جهادی.
- بهره‌برداری امانت‌دارانه و بهینه از منابع زیستی و طبیعی با تأمین عدالت بین نسلی و تاب‌آوری و رعایت آستانه‌های زیستی.
- نفی ربا، کنز، تکاثر و تداول ثروت در دست ثروتمندان و نفی شکاف طبقاتی.
- کفاف در معیشت آحاد جامعه، رعایت مصرف مقتصدانه و به دور از اسراف و تبذیر.
- کسب رزق حلال و تبعیت ارزش اجتماعی اقتصادی از کار مولد و مفید.

آرمان‌ها

آرمان‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، منظومه‌ای از ارزش‌های بینشی، گرایشی، توانشی و کنشی بنیادین و فرازمانی و فرامکانی است که راه پیشرفت را روشن می‌کند و نظام ارتباط انسان با خدا، خود، خلق و جهان را شکل می‌بخشد. بنیادی‌ترین ارزش، دستیابی به جایگاه عبودیت و خلافت الهی است که با تحقق «حیات طیبه» فراهم می‌آید. مهم‌ترین ارزش‌های زمینه‌ساز «حیات طیبه» برای عموم از این قرارند: شناخت حقایق، ایمان به غیب، تقوا و کرامت، سلامت روحی و جسمی، تفکر و عقلانیت، عدالت همه‌جانبه، آزادی مسئولانه، صداقت، انضباط اجتماعی و قانون‌مداری، تعاون، همبستگی اجتماعی، مدارا و همزیستی مهرآمیز، حمایت از مستضعفان، رحمت و اخوت با مسلمانان، ظلم‌ستیزی، رویارویی مجاهدانه و قدرتمندانه با دشمنان، استقلال، عزتمندی، امنیت همه‌جانبه، آبادانی، بهره‌برداری کارآمد و عادلانه از طبیعت، فراوانی نعمت و کفاف همگانی.

رسالت

رسالت، میثاق مشترک ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران برای پیشرفت است. رسالت عبارتست از حرکت خردمندانه و مؤمنانه و متعهدانه در مسیر آبادانی و شکوفایی کشور و خودسازی، نهادسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی نوین اسلامی ایرانی بر پایه آرمان‌های الهی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی ـ عجل الله تعالی فرجه الشریف ـ است.

افق

در سال ۱۴۵۰ هجری شمسی، مردم ایران دیندار، پیرو قرآن کریم و سنت پیامبر و اهل بیت - علیهم السلام-، خودآگاه به رسالت تاریخی، امیدوار به آینده تمدنی، خردورز، دارای سبک زندگی و خانواده اسلامی ایرانی، برخوردار از روحیه جهادی، مسئولیت‌پذیر، قانون‌مدار، پاسدار ارزش‌ها و هویت ملی، نگاهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی، تربیت‌یافته به فراخور استعداد و علاقه و شکوفا در مراحل معنوی، علمی و مهارتی و فعال در جایگاه متناسب‌اند و در عین تنوع قومی و تفاوت‌های فرهنگی، از احساس امنیت، آزادی، کرامت، آرامش، آسایش، سلامت و امید به زندگی در تراز والای جهانی برخوردارند.

در آن هنگام، ایران به عنوان مرجع معتبر در فرهنگ متعالی و علوم انسانی بر پایه مبانی و ارزش‌های اسلامی در تراز بین‌المللی شناخته می‌شود و در میان پنج کشور پیشرو جهان در تولید اندیشه و دانش و فناوری جای می‌گیرد و از اقتصادی دانش‌محور و خودبنیان بر پایه عقلانیت، عدالت و معنویت اسلامی برخوردار و یکی از ده قدرت اقتصادی بزرگ جهان است. سلامتِ محیط زیست و پایداری منابع طبیعی، آب، انرژی، امنیت غذایی و نظام سکونتگاهی و توزیع جمعیت بر اساس آمایش سرزمینی، با حداقل نابرابری فضایی در کشور فراهم می‌گردد و کشف منابع، خلق مزیت‌ها و فرصت‌های تازه و فراوانی و پایداری نعمت برای همگان با رعایت عدالتِ میان‌نسلی حاصل می‌شود. فقر و فساد و تبعیض در کشور ریشه‌کن می‌گردد و تکافل عمومی و تأمین اجتماعی جامع و فراگیر و دسترسی آسان همگانی به نظام قضایی عادلانه فراهم می‌شود.

در آن هنگام، ایران از تداوم رهبری فقیه عادل، شجاع و توانمند و ضمانت کافی برای تحقق سیاست‌ها و قوانین و نظام‌های مبتنی بر اسلام در چارچوب مردم‌سالاری دینی برخوردار است و همچنان با اتکا به آرای عمومی از رهگذر مشارکت آزادانه مردم در انتخابات، دور از تهدید ثروت و قدرت و با بهره‌گیری نظام‌مند از مشورت جمعی نخبگان و نظارت مردم، با کارگزارانی امین و توانا اداره می‌شود و با قدرت کامل برای پاسداری و دفاع بازدارنده از عزت و حاکمیت و استقلال و مصالح و منافع ملی، امنیت همه‌جانبه و تمامیت ارضی خویش را پاس می‌دارد و برترین نقش را در وحدت و اخوت اسلامی و ثبات منطقه‌ای و صلح عادلانه جهانی بر عهده دارد.

در آن هنگام، ایران در تراز پیشرفت و عدالت، در شمار چهار کشور برتر آسیا و هفت کشور برتر جهان جای می‌گیرد و دارای ویژگی‌های برجسته جامعه اسلامی و خاستگاه تمدن نوین اسلامی ایرانی است.

تدبیرها

تدبیرها به عنوان تصمیم‌ها و اقدام‌های اساسی و بلندمدت برای دستیابی به افق عبارتند از:

۱. تبیین و ترویج اسلام ناب محمدی – صلی الله علیه و آله– هماهنگ با نیازهای زمان و بر پایه اجتهاد پیوسته و پویا.

۲. گسترش فرهنگ قرآنی توحیدی و معادباورانه، عمق‌بخشی به باور و احساس جامعه در معرفت و مودت و ولایت پیامبر و اهل بیت – علیهم السلام– و پاسداری از فرهنگ عاشورا و انتظار.

۳. تبیین آموزه‌های اخلاق اسلامی و هنجارهای اجتماعی و تبلیغ عملی دین و اوج بخشیدن به نقش محوری «مسجد» در بالندگی روابط انسانی و همدلی و همبستگی.

٤. تبیین و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی ایرانی و استوارسازی بنیان خانواده.

٥. احیای ظرفیت‌های تمدنی زبان و ادبیات فارسی در گستره فرهنگی فارسی‌زبانان و بالندگی آن در تراز زبان‌های جهانی دانش و فرهنگ.

٦. احیا و گسترش الگوها و نمادهای اسلامی ایرانی به‌ویژه در پوشش، معماری و شهرسازی با رعایت ویژگی‌های اقلیمی و بومی و حفظ گونه‌گونی فرهنگی در پهنه سرزمینی.

۷. تربیت انسان‌های مؤمن، توانمند، خلاق، مسئولیت‌پذیر، معنوی و دارای روحیه مشارکت جمعی با تحول در ساختار، رویکرد و محتوای نظام تعلیم و تربیت کشور و والاسازی جایگاه معلمان.

***

۸. تقویت و گسترش تولید علم اصیل، بومی و سودمند در شاخه‌های علوم انسانی، با بهره‌گیری از مبانی و منابع اسلامی و دانش بشری و ایجاد فرایندها و سازوکارهای کاربست روزافزون این دانش‌ها.

۹. گسترش مرزهای دانش و مطالعات و پژوهش‌های چندرشته‌ای و میان‌رشته‌ای نوآورانه، با هدف برآوردن نیازها و حل مسائل اساسی جامعه از رهگذر پشتیبانی فزاینده و مطالبه متناسب از مؤسسات و شخصیت‌های علمی کشور.

۱۰. گسترش تعامل اندیشه‌ای و دادوستد علمی پویا و پایدار نخبگان و مؤسسات علمی کشور در عرصه جهانی و حضور فعال برای هنجارسازی‌های فراملی و بهره‌گیری از شبکه جهانی دانایی.

۱۱. ارج نهادن به دانش‌ها و مهارت‌های حرفه‌ای بومی و غیررسمی و شکوفاسازی آن‌ها در تراز فناوری‌های صنعتی با بهره‌گیری از دستاوردهای تازه علمی و تجارب تاریخی و بازسازی بازارهای تولیدی تخصصی به فراخور توانمندی‌های بومی و قابلیت‌های سرزمینی.

۱۲. ارتقای دانش پایه، گسترش شبکه‌های علم و فناوری و نوآوری با استقرار کامل نظام ملی نوآوری و نظام ملی و جامع استاندارد و حمایت‌های زمینه‌گستر از تجاری‌سازی در فرایند تولید کالا و خدمات.

۱۳. افزایش توان رقابت و سهم کارآفرینان در قلمروهای رقابت‌پذیر اقتصادی و اجتماعی مولد و نوسازی دانش‌بنیان مجموعه‌های بزرگ صنعتی و کشاورزی و خدماتی با هدف رقابت‌پذیری جهانی.

۱۴. تحول و بالندگی دیپلماسی اقتصادی کشور، به منظور دستیابی به فناوری‌های پیشرفته، نقش‌آفرینی در چرخه تولید و نوآوری فراملی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، توسعه تجارت منطقه‌ای و بین‌المللی به‌خصوص در بخش انرژی و بازار جهانی حلال، و حمایت از صادرات تولیدات داخلی با ارزش افزوده فراوان.

۱۵. ارتقای دانش و توسعه بومی و تأمین امنیت و تاب‌آوری زیرساخت، فناوری و خدمات فضای مجازی با مشارکت مردمی و همکاری‌های بین‌المللی در تراز کشورهای پیشرو جهان.

۱۶. گسترش بهره‌مندی عادلانه از فرصت‌های فضای مجازی سالم، مفید و ایمن و تبیین و گستراندن اخلاق فضای مجازی بر پایه ارزش‌ها، فرهنگ و هویت اسلامی ایرانی.

۱۷. پی‌ریزی و گسترش نهضت کسب‌وکار هنرهای نمایشی و صنایع خلاق فرهنگی و کاربردهای فضای مجازی متناسب با قابلیت‌های ملی و محلی به منظور هنجارسازی، تبلیغ و گسترش فرهنگ و ارزش‌های اسلامی ایرانی با در نظر گرفتن تقاضای مخاطب منطقه‌ای و جهانی.

۱۸. بازطراحی و ارتقای نظام پولی و بانکی کشور و ابزارها و نهادهای سیاستی و نظارتی مربوط، بر پایه احکام شرع و با هدف حفظ ثبات و سلامت اقتصادی، هدایت اعتبارات به بخش‌های مولد، و بهره‌مندسازی عادلانه مردم از پول خلق‌شده بانکی.

۱۹. تحقق عدالت مالیاتی و کاهش فاصله جمع درآمد خالص خانوارها، از رهگذر نظام یکپارچه مالیات‌ستانی و پرداخت‌های انتقالی و وضع مالیات‌های مؤثر برای رونق‌افزایی تولید و جلوگیری از فعالیت‌های نامولد، با هدف گردش سالم ثروت در جامعه و پیشگیری از کنزاندوزی.

۲۰. تقویت نظام مواسات و تکافل عمومی و تأمین اجتماعی فراگیر و استفاده از ظرفیت نهادهای وقف و قرض‌الحسنه به منظور دستیابی به حد کفاف در بهره‌مندی و توانمندسازی همگان به‌ویژه محرومان و نیازمندان با پاسداشت کرامت انسانی آنان.

۲۱. یکپارچه‌سازی سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت برای بهره‌برداری از انفال و ثروت‌های عمومی تجدیدناپذیر و تبدیل انحصاری درآمد آن به سرمایه‌های پایدار و قوام‌بخش پیشرفت بلندمدت کشور و استقلال بودجه دولت از این درآمدها.

۲۲. کاهش مستمر سقف صادرات مواد خام و جایگزینی آن با زنجیره پیش‌رونده تولید ارزش افزوده ملی.

۲۳. مصون‌سازی و تقویت فرایندها، سیاست‌ها، تصمیمات و نهادهای اقتصادی در برابر تکانه‌های سیاسی–اقتصادی هدفمند و غیرهدفمند درون‌زا و برون‌زا.

۲۴. بهینه‌سازی مصرف آب و انرژی، حفظ هوای پاک، حفاظت و بهره‌برداری پایدار از محیط زیست و منابع حیاتی همچون خاک، آب، جنگل، مراتع و تنوع زیستی و انجام فعالیت‌های زیربنایی، اقتصادی و اجتماعی به فراخور ظرفیت‌های بوم‌شناختی با رعایت حقوق و اخلاق زیست‌محیطی بر پایه آموزه‌های اسلامی.

۲۵.برقراری نظام حکمرانی آب کشور بر اساس مدیریت یکپارچه منابع آب در حوضه آبریز و گسترش استفاده از آب‌های نامتعارف، با رویکرد مدیریت تقاضا و تخصیص و مشارکت بهره‌برداران در مدیریت چرخه آب.

۲۶.اصلاح ساختار حکمرانی و مدیریت انرژی کشور و ایجاد شبکه هوشمند، یکپارچه و تاب‌آور انرژی با بهره‌مندی بهینه از انرژی‌های تجدیدپذیر و پاک.

۲۷.فعال‌سازی موقعیت ارتباطی ایران و قابلیت‌های سرزمینی از رهگذر زیرساخت‌های پیشرفته برای تبدیل کشور به چهارراه ارتباطات بین‌المللی و قطب علمی، فناوری، اقتصادی و گردشگری با محوریت مراکز هویت‌ساز.

۲۸.نهادینه‌سازی تقسیم کار ملی با توجه به استعدادهای طبیعی و آفرینش مزیت‌های جدید در همه مناطق و ایجاد حلقه‌های هم‌افزای اقتصادی منطقه‌ای و گسترش پیوندها و روابط میان مناطق شهری، روستایی و عشایری به منظور تقویت نقش آن‌ها در تولید و صادرات.

۲۹.بسترسازی برای پراکندگی متعادل جمعیت و توازن منطقه‌ای بر پایه توانمندی‌های سرزمینی و اصول آمایش با تخصیص امکانات و تشویق و آسان‌سازی سرمایه‌گذاری و شکوفاسازی مناطق کمتر برخوردار با اولویت نواحی مرزی به‌ویژه سواحل و جزایر جنوبی.

۳۰.تأمین امنیت و ایمنی غذایی با تأکید بر تولید داخلی، ترویج تغذیه سالم و حلال، اصلاح الگوی تولید و توزیع و مصرف مواد غذایی و محصولات کشاورزی و دامی و آبزی، و برقراری سازوکارهای نظارتی مورد نیاز.

۳۱.ارتقای همه‌جانبه و عادلانه سلامت فرد و خانواده و جامعه و پوشش همگانی مراقبت‌ها و خدمات با گسترش و عمق‌بخشی به سواد و فرهنگ سلامت، پیشگیری و مهار عوامل تهدیدکننده، همکاری بین‌بخشی و مشارکت آگاهانه و نظام‌مند مردم و قوای سه‌گانه و توسعه تربیت بدنی به‌ویژه ورزش همگانی.

۳۲.توسعه آموزش، خدمات و تولیدات حوزه سلامت در سطح ملی و بین‌المللی و تبدیل ایران به قطب منطقه‌ای سلامت و تقویت و ترویج دانش بومی و طب سنتی ایرانی بر پایه شواهد متقن علمی.

۳۳. رشد سلامت معنوی اسلامی و گسترش آن در عرصه‌های آموزش، پژوهش، مراقبت‌ها و خدمات سلامت کشور

۳۴.پیشگیری قاطع از تعارض منافع در همه سطوح و لایه‌های نظام سلامت به‌ویژه با تنظیم و مدیریت شفاف روابط مالی میان «ارائه‌کنندگان»، «دریافت‌کنندگان» و «تأمین‌کنندگان هزینه» خدمات بهداشتی و درمانی.

۳۵.تنظیم نرخ باروری در بیش از سطح جانشینی با زدودن موانع و فراهم آوردن زمینه‌های مناسب و اجرای سیاست‌های حمایتی.

۳۶.بالندگی جایگاه و شأن و حقوق اجتماعی زنان و فراهم ساختن فرصت‌های عادلانه برای آنان و حمایت از نقش مقدس مادری.

۳۷.افزایش استقلال، اقتدار، پاسخگویی و کارآمدی دستگاه قضایی و آسانی دسترسی همگانی به آن، تخصصی شدن نظام قضایی، اصلاح و شفاف‌سازی قوانین و فرایندهای قضایی، به‌روزرسانی روش‌های پیشگیری از آسیب‌ها و جرائم و بازنگری در جرم‌انگاری.

***

۳۸.حفظ و تقویت مردم‌سالاری دینی بر پایه ولایت فقیه با گسترش مشارکت مردم و نخبگان در اداره کشور و افزایش سرمایه اجتماعی و کارآمدی نظام.

۳۹.بالندگی و گسترش آزاداندیشی با رعایت هنجارهای اخلاقی به منظور ارزیابی و نقد علمی سیاست‌ها، برنامه‌ها، قوانین و عملکردهای گذشته و حال برای تصحیح پیوسته آن‌ها و پاسداشت ارزش‌ها و اصلاح مسیر انقلاب اسلامی.

٤٠.تضمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در چارچوب اجرای کامل قانون اساسی در قلمرو فردی و جمعی و آموزش و ترویج حقوق و تکالیف مردم.

٤١.واگذاری و پذیرش مسئولیت‌ها و مدیریت‌ها بر پایه شایستگی و پایبندی به هنجارهای اسلامی با محوریت روحیه جهادی، ساده‌زیستی، عدالت، صداقت، درستکاری، فداکاری، پاسخگویی و پایبندی به حد کفاف در معیشت، با بهره‌گیری از نظام شناسایی و تربیت شایستگان به‌ویژه جوانان و پیشگیری از پیدایش حلقه‌های بسته مدیریتی.

٤٢.شفاف‌سازی و نظارت بر درآمد و ثروت کارگزاران و منابع مالی و هزینه‌های کنش‌گری سیاستمداران و تشکل‌های سیاسی و مردم‌نهاد با گسترش فرایندهای عادلانه، قانونمند و شفاف در تخصیص امکانات و امتیازات دولتی و عمومی.

٤٣.نهادینه‌سازی پاسخگویی مسئولان، نظارت رسمی و مردمی و رسانه‌ای بر ارکان و اجزای مدیریتی نظام و پیشگیری از تداخل منافع عمومی و منافع خصوصی کارگزارانِ حکومت، با اصلاح ساختارها و قوانین فسادزا و برخورد سرسختانه و بدون تبعیض با خلاف‌کاران و مفسدان.

٤٤.تقویت کارکردهای حاکمیتی با واگذاری مسئولیت‌های غیرحاکمیتی و تصدی‌گرایانه به بخش‌های مردمی، و بهبود کارآمدی و چابکی و شفافیت نظام اداری با شیوه‌ها و فناوری‌های نوین.

٤٥.تمرکززدایی در ساختار اقتصادی-مالی کشور با حفظ اقتدار حاکمیت از رهگذر واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری به استان‌ها در چارچوب سیاست‌های ملی.

٤٦.انتشار عمومی پیش‌نویس سیاست‌ها، قوانین، مقررات و برنامه‌های غیر محرمانه کشور و نظرخواهی تخصصی از مراکز و نهادهای علمی معتبر.

٤٧.تقویت توان بازدارندگی مؤثر، پیشگیری از تهدید بر علیه جمهوری اسلامی ایران، تأمین امنیت و دفاع همه‌جانبه و مردم‌محور و پیش‌کنشگر بر پایه اشراف اطلاعاتی، گسترش بسیج مردمی، بهبود قدرت دفاعی و خوداتکایی در فناوری‌های برتری‌بخش و اقتدارآفرین دفاعی.

۴۸.افزایش توانمندی‌ها و ظرفیت‌های دفاع هوشمند و تاب‌آور، گسترش پدافند غیرعامل در فضای واقعی و مجازی، مصونیت‌بخشی و تاب‌آوری زیرساخت‌های حیاتی کشور، و ارتقای نقش پویای سامانه دفاعی–امنیتی در پیشرفت کشور.

۴۹.ایفای نقش محوری در هندسه قدرت در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی، گسترش عمق راهبردی، تقویت جبهه مقاومت، و تحول‌آفرینی در نظام‌های بین‌المللی بر پایه ارزش‌های انقلاب اسلامی.

۵۰.تعامل با ادیان الهی و تقریب مذاهب اسلامی و افزایش همگرایی و همبستگی مسلمانان با تأکید بر همسانی‌های دینی و پرهیز از اهانت به مقدسات یکدیگر و رفتارها و سیاست‌های تفرقه‌انگیز و گسترش روابط فرهنگی و اقتصادی و سیاسی میان مسلمانان.

۵۱.گسترش خردگرایی همراه با روحیه جهادی در جهان اسلام، استکبارستیزی، پشتیبانی از جنبش‌های اسلامی و نهضت‌های آزادی‌بخش و بازپس‌گیری حقوق مردم فلسطین.

۵۲.تأکید بر چندجانبه‌گرایی و منطقه‌گرایی، گسترش دیپلماسی عمومی و کمک به نهادمندی امنیت و حکمیت و صلح عادلانه منطقه‌ای و بین‌المللی.

سازوکار اجرا، نظارت و به‌روزرسانی

اجرای الگو بر عهده همه دستگاه‌ها و ارکان نظام جمهوری اسلامی در چارچوب وظایف ذاتی آن‌ها به شرح ذیل است:

۱. تحول در نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی کشور برای اجرای کامل الگو امری ضروری و نیازمند هماهنگی و انسجام مدیریتی قوای سه گانه و نهادهای رسمی کشور است. راهبری عالی و انسجام‌بخش تحقق الگو بر عهده رهبر معظم انقلاب اسلامی است.

۲. مجمع تشخیص مصلحت نظام سیاست‌های کلی کشور را سازگار با الگو و با هدف تحقق کامل آن تدوین و بازنگری می‌کند.

۳. مجلس شورای اسلامی، با هدف اجرای کامل الگو در پرتو سیاست‌های ابلاغی رهبر معظم انقلاب اسلامی، قوانین بایسته را تصویب و بر حسن اجرای آن‌ها نظارت می‌کند.

۴. دولت دارای بیشترین نقش در اجرای الگو است و برنامه‌های لازم شامل لوایح برنامه‌های پنج‌ساله و بودجه‌های سالانه را تهیه و بر حسن اجرای آن‌ها نظارت می‌کند.

۵. قوه قضاییه اقدامات مناسب را برای اجرای الگو در گستره وظایف خود انجام می‌دهد و بر حسن اجرای آن نظارت می‌کند.

۶. شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی، برای اجرای الگو در دامنه وظایف خود، تصمیم می‌گیرند و بر حسن اجرای آن نظارت می‌کنند.

۷. دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه و صاحب‌نظران، با همکاری مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تحقیق و نظریه‌پردازی و گفتمان‌سازی در باره الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را بر اساس ارزش‌های والای اسلامی و دستاوردهای متقن علمی در دستور کار خود قرار می‌دهند.

۸. صدا و سیمای جمهوری اسلامی و دستگاه‌های تبلیغی و اطلاع‌رسانی رسمی کشور، با هدف تبدیل الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به گفتمان ملی، کارهای بایسته را انجام می‌دهند.

۹. مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با پایش روند کلی پیشرفت کشور و با حمایت و هدایت و کاربست پژوهش‌های مربوط، ویراست بازنگری‌های ده ساله و اصلاحات موردی الگو و گزارش انحراف احتمالی از آن را به رهبر معظم انقلاب اسلامی تقدیم می‌نماید.

۱۰. تفسیر سند الگو، بر عهده «شورای عالی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» است.